

پيشينه ي كهن گياه درماني درميان تُرکان

شاهپور نوروزی



بسم الرحمن الرحيم

مقدمه

درخت صندل (صندل آعاجی)

زنجبیل شامی (آندیز)

بیش (قارا اوت)

چچم (قارا میخ)

درمنه (یووشان)

وج / اگر ترکی؛ سوسن باتلاقی (ایبیر)

گزنه (گیجیتکن)

خارخسک (دمیر تیکان)

گلرنگ / کافشه (زرنزا)

مرگ ماهی (سیغیر قویروقی)

بارهنگ (باغایارپاغی / بیزووشا)

باریجه / بارزد (قاسنی)

فهرست منابع

مقدمه

زندگی ما انسان‌ها با بسیاری از گیاهان پیوندی ناگسستنی دارد؛ زیرا بخشی از خوراک و پوشاک و داروهای شفابخش و ... همگی از گیاهان به دست می‌آید. از میان هزاران هزار گونه گیاهی، برخی از آن‌ها بسیار سودمند و برخی نیز بسیار زهرآگین و کشنده می‌باشند.

ترکان باستان به جنگل و بیشه‌زارهایی که روی کوه‌ها و بلندی‌ها می‌روید " بیش " می‌گفتند و گوی تورک‌ها (امپراتوری ترکان آسمانی) پایتخت باستانی خود را در یکی از این بیشه‌زارهای زیبا به نام " اوتوکن بیش " ساخته بودند.

همچنین در ترکی باستان به بیشه و جنگل پر درخت " بؤک " گفته می‌شد. این سرزمین‌ها پر از گیاهان مختلف دارویی بوده است. در کتاب هزار ساله ی دیوان لغات الترک نام بیش از صد و ده گیاه و درخت آمده است.

در میان ترکان به انواع ضمادها، و روغن‌های گیاهی، صمغ‌ها و چیزهایی همانند این‌ها " آم " (دارو و درمان) گفته می‌شد، داروسازان و پزشکان ترک را " آمچی " می‌گفتند.

بازرگانان کالاها و گیاهان دارویی را از جاده ی ابریشم به بسیاری از سرزمین های دور
و نزدیک جهان آن روز می بردند. در جاده ی ابریشم (ایپک یونو) بازرگانان خواص
گیاهان گیاهان دارویی را برای هم بازگویی کرده و از آگاهی های هم بهره می بردند.
این جاده ی دور و دراز، طب هندی، چینی، ترکی، ایرانی، یونانی و رومی را به هم
پیوند می داد.

درخت صندل (صندل آغاجی)

چوب برخی از درختان و بسیاری از گیاهان همچون کالایی بس گرانقدر و پرهزینه، خرید و فروش می‌شد. برای نمونه "درخت صندل" (sandal wood) که در سرزمین هندوستان می‌روید و در زبان سانسکریت به آن "چَندَن" گفته می‌شد، در میان چینی‌ها کالایی نایاب و ارزشمند شمرده می‌شد. ترکان باستان درخت صندل را "چیندان / چینتان" می‌نامیدند، نام این درخت در سطرپیازدهم سنگ نبشته‌ی "بیلگه خاقان" به سال ۱۱۶ ه.ق آمده است. زبان‌شناس برجسته و سترگ ترک **محمود کاشغری** (۳۸۰-۴۷۷ ه.ق) هزار سال پیش در کتاب **دیوان لغات الترک** خود، نام این درخت را "چندان" یادداشت کرده است (کتاب دیوان لغات الترک برای آموزش زبان ترکی به عرب‌ها و خلفای عباسی به زبان ترکی - عربی نوشته شده بود).

در مراسم به خاک سپاری "بیلگه خاقان" در ۲۲ ژوئن ۷۳۵ م. گروهی پانصد نفره از سوی فغفور چین برای شرکت در آیین سوگواری فرستاده شد. این گروه همراه خود پیشکش‌های فراوانی را از سوی فغفور برای فرزند به تخت نشسته خاقان آورده بود. در میان این پیشکش‌های ارزشمند، چوب صندل نیز به چشم می‌خورد.

زنجبیل شامی (آندیز)

از شناخته شده ترین گیاهان دارویی در میان ترکان باستان گیاه " آندیز " (elecampane) بود که در زبان فارسی به آن زنجبیل شامی گفته می شود.

گیاه "آندیز" برای کشتن کرم روده ی اسب به آن ها خورانده می شد. کاربرد این گیاه چنان در میان ترکان شناخته شده بود که به صورت ضرب المثل در آمده بود.

محمود کاشغری (کاشغری محمود) نام گیاه " آندیز " را " آنکدُز " یادداشت کرده و آن ضرب المثل ترکی را اینگونه نوشته است: **آنکدُز بلسا ات الماس** (اگر زنجبیل شامی باشد، اسب نمی میرد).

در فرهنگ ترکی به فارسی **سنگلاخ** تالیف **میرزا مهدیخان استرآبادی** در عصر نادرشاه افشار نام این گیاه " اندوز " و در فرهنگ ترکی استانبولی " آندیز اوتو " نوشته شده است.

بیش (قارا اوت)

گیاه "قارا اوت" (aconite) که در کتاب دیوان لغات الترک محمود کاشغری از آن یاد شده است، گیاهی بسیار زهر آگین و کشنده می باشد. در زبان سانسکریت به این گیاه "ویشا" (زهر) و در ترکی استانبولی "قورد بوغان" گفته می شود. در بخش هایی از هند با خوراندن این گیاه، مجرمان محکوم به مرگ را می کشتند.

چچم (قارا میخ)

گیاه "قارا میخ" (darnel) در کتاب دیوان لغات الترک به شکل "قَرَامُق" و در کتاب فرهنگ سنگلاخ با نام های "قَرَاموق" و "چاورونتی" آمده است. نام این گیاه در عربی "شیلیم" و "زوان" و در فارسی "چچم" می باشد.

این گیاه در کشتزارهای گندم می روید و اندکی نیز همانند گندم است. نانی که آمیخته با "قارا میخ" درست شده باشد، سرگیجه آور، مسکر، مسموم کننده و کشنده است. به دلیل زهر آگین بودن، این گیاه کاربرد چندانی در طب سنتی ندارد.

درمنه (یووشان)

گیاه "یووشان" (worm wood) در کتاب دیوان لغات الترک به شکل "یبجان / یفجان" و در فرهنگ سنگلاخ به صورت "یاوشان" و در ترکی استانبولی "یاوشان اوتو" نوشته شده است. در فارسی به آن "درمنه" و در عربی "شیح" گفته می شود. به بنا بر نوشته میرزا مهدیخان استرآبادی در فرهنگ سنگلاخ، این گیاه گازها را تحلیل می برد (محلل ریاح) و ضماد آن برای عقرب گزیدگی و سموم سرد مفید است. همچنین بنا بر نوشته ی استاد حسین میر حیدر در کتاب چند جلدی معارف گیاهی، گیاه درمنه کرم های دراز و کرم روده را می کشد. ضماد خاکستری آن با روغن زیتون برای جلوگیری از ریختن مو و تسریع در رشد مو مؤثر است (معارف گیاهی ج ۵، ص ۱۸).

اگر ترکی

گیاه "اگر ترکی" (sweet flag / calamus) که در دیوان لغات الترک محمود کاشغری به شکل "اگر" و در فرهنگ سنگلاخ میرزا مهدیخان استرآبادی "ایکیر" نوشته شده است؛ گیاهی بسیار نافع برای ناراحتی معده ی انسان و برطرف کردن نفخ شکم و سوء هاضمه می باشد. در فارسی به این گیاه "اگر ترکی" یا "وج" / سوسن باتلاقی گفته می شود. کلمه ی "وج / بیج" واژه ای هندی است. در ترکی آذربایجانی به این گیاه "اییر" (iyir) و در ترکی استانبولی "eğir kökú" و در روسی air / ir گفته می شود.

کاربرد گیاه اگر ترکی آنچنان در میان ترکان مرسوم و رایج بوده است که هزار سال پیش، محمود کاشغری در کتاب ارزشمند دیوان لغات الترک چنین ضرب المثلی را در مورد این گیاه آورده است: **اگر بلسا آر الماس** (اییر اوئسا، کیشی اوئلمز) - هرگاه اگر ترکی همراه مرد باشد، او از ناراحتی معده نمی میرد.

گزنه (گیجیتکن)

گیاه " گیجیتکن " (nettle) در فرهنگ سنگلاخ به شکل " گیجیتکان " نوشته شده است. نام فارسی آن گزنه می باشد.

تخم گیاه گزنه برای استسقاء و رفع تشنگی و رفع تنگی نفس و ناراحتی طحال و کلیه مفید است.

خارخسک (دمیر تیکان)

گیاه "دمیر تیکان" (caltrop) که در فرهنگ سنگلاخ به آن "تیمور تیکان" و در کتاب دیوان لغات الترک "قرو" گفته شده است، در زبان فارسی "خارخسک" و در عربی "حسک" نام دارد. در فرهنگ سنگلاخ چنین آمده است که این گیاه ادرار را زیاد می کند (مدرّ ادرار) و مسکن درد مثانه است. (همچنین نگاه کنید به معارف گیاهی ج ۷

، ص ۹۰)

گلرنک / کافشه (زرنزا)

زرنزا (safflower) نام گیاهی است که در کتاب دیوان لغات التترک از آن یاد شده است. در زبان فارسی به آن "گلرنک / کافشه" و در عربی "قرطم / عصفر" گفته می شود.

استاد حسین میر حیدر در کتاب معارف گیاهی نوشته است که در چین گلبرگ های آن را چیده و خشک کرده و برای تسریع جریان گردش خون استفاده می کنند. هم چنین این گیاه در درمان برخی از بیماری های زنان بسیار مفید است..

از تخم این گیاه کوچک که در کاب دیوان لغات التترک به آن **زرنزا اُرغی** (تخم کافشه) گفته شده است نیز در درمان فلج های ناگهانی حاصله از خونریزی مغزی، اغماء و استسقاء استفاده می شود.

(در کتاب دیوان لغات التترک "اوروغ به معنای بذر و دانه ی گیاهان بکار رفته است.)

مرگ ماهی (سیغیر قویروقی)

"سیغیر قویروقی" نام گیاهی است که در فرهنگ سنگلاخ از آن سخن رفته است. در فارسی به آن "مرگ ماهی" و در عربی "سم السمک" می گویند. مغز دانه ی این گیاه، سم کشنده ای برای ماهیان می باشد که برای صید ماهی به کار برده می شود و خوردن ماهیانی که با این روش صید شده اند، اغلب موجب مسمومیت، تهوع، درد معده و هذیان می شود. (معارف گیاهی ج ۷، ص ۲۷۲)

بارهنگ (باغایارپاغی / بیزووشا)

گیاه " باغایارپاغی " (plantain plantain) یا " بیزووشا " که در فرهنگ سنگلاخ با نام های " سینگیلی یاپراغ " ، " باغ یاپراغی " و " باغه یاپراغی " آمده است، گیاهی است که در فارسی به آن " بارهنگ " و در عربی " لسان الحمل " گفته می شود. در ترکی استانبولی به این گیاه " سینیر اوتو " می گویند.

از له شده ی برگ بارهنگ برای التیام زخم استفاده می شود.

باریجه / بارزد (قاسنی)

قاسنی (galbanum) بنا به نوشته‌ی فرهنگ ترکی به فارسی سنگلاخ، نام صمغ گیاهی است. این صمغ را در زبان فارسی "باریجه" و در طب سنتی "بارزد" می‌گویند. این صمغ؛ ملین و گرم کننده و محلل گازها و نفخ است. اگر این صمغ مخلوط با عسل خورده شود، برای خرد کردن سنگ مثانه و کلیه و باز کردن انسداد کلیه و تسهیل زایمان مفید است.

در کتاب "قوتادغو بيليك" (سال 462ه.ق) تالیف یوسف اولوغ خاص حاجب نیز از هفده گیاه و درخت سخن رفته است.

1- آربوز (قارپیز): هندوانه (واژه ی آربوز از ترکی به زبان روسی راه یافته است)

2- آریا : جو، شعیر

3- آزغان : نسترن Dag-rose (در آذربایجان " ایت بۇرنو " نیز گفته می شود)

4- بوغدای : گندم

5- چیم : آیریق اوئو (مرغ ، پنجه مرغی) (در ترکی اصطلاح چیمَن-چاییر:مرغزار ، چمنزار)

6- قدنگ / قدنگ:قاین آغاجی (در شعر فارسی ، تیری که از چوب قدنگ ساخته می شد بسیار شناخته شده بود)

7- قاغون: قاوون / قووون (خربزه)

8- kürküm کورکوم: زعفران

9- ارغوان

10- قرنیل

11- چیچک: گل و شکوفه

12- قاغیل : یاش سؤیود دالی (شاخه ی سبز درخت بید)

13- اوْت : سبزه ، چمن ، گیاه

14- سیمیش : هسته ، دانه ی داخل هسته در میوه های دانه دار (سیمشقا / زیمیشقا: تخم آفتابگردان)

15- تیگن : تیگان (خار)

16- یئمیش : میوه

17- بیغاج : آغاج (درخت)

ترکی بودن نام بسیاری از گیاهان در کتاب های دیوان لغات الترک محمود کاشغری و قوتادغوبیلیک ، نشان از پیشینه کهن دانش گیاه درمانی در میان ترکان دارد.

اللهم صل علی محمد و آل محمد

فهرست منابع:

- ۱- اره ن، حسن؛ **تور کجه سؤزلوک**، آنکارا ۱۹۸۸
- ۲- اوزوجو؛ **آذربایجان دیلی نین ایضاحلی لوغتی**؛ کؤچوره ن: بهزاد بهزادی؛ چ اول ۱۳۷۶
- ۳- استرآبادی، میرزا مهدیخان؛ **سنگلاخ**؛ ویرایش: روشن خیایوی؛ نشر مرکز، چ. اول ۱۳۷۴
- ۴- زاهدی، دکتر اسمعیل؛ **واژه نامه گیاهی - نام علمی گیاهان**، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷
- ۵- شعاع، دکتر محمود / ساعدی، دکتر هوشنگ؛ **گیاهان سمی و تاثیر مسمومیت آنها در حیوانات**، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۵
- ۶- گل گلاب، حسین؛ **گیا (راهنمای گیاهی)**، تهران.
- ۷- کاشغری، محمود بن حسین بن محمد؛ **دیوان لغات الترک**؛ ترجمه و تنظیم و ترتیب الفبایی: دکتر سید محمد دبیر سیاقی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چ اول ۱۳۷۵

۸- میرحیدر، حسین؛ معارف گیاهی (کاربرد گیاهان در پیشگیری و درمان بیماری ها) ،

دفتر نشر و فرهنگ اسلامی (جلدهای ۱-۸)

۹- محمد اوف، یونس / رجب اوف، ابوالفضل؛ اورخون- یئنی سئی آبیده لری ، باکی،

یازچی ۱۹۹۳

۱۱- نوروزی، شاهپور؛ پیشینه ی کهن گیاه درمانی در میان ترکان ، هفته نامه صاحب،

دوشنبه ۳ مردادماه سال ۱۳۷۹- سال نهم شماره ۴۳۵

۱۰- فرهنگ انگلیسی وبستر

KUTADGU BİLİG'DE BİTKİ ADLARI Faruk ÖZTÜRK